

کاربرد حرف اضافه (lá) در کردی مکریانی در الگوی شناختی

فرزاد عزیزی^۱

امیرعلی خوشخونژاد^۲

چکیده

حروف اضافه مقولاتی واژگانی اند که در گونه مکریانی از زبان کردی به دو صورت ساده و مرکب ظاهر می شوند و کتاب‌های دستور زبان کردی موجود، تعاریف و ساختمان و معانی آنها را فارغ از چارچوبی خاص بیان کرده‌اند. زبان‌شناسی شناختی دیدگاهی دقیق‌تر و نظام‌مندتر را در ارتباط با شناخت و بررسی حروف اضافه نسبت به دیدگاه‌های رایج فراهم کرده و معانی مختلفی را که توسط یک حرف اضافه بیان می‌شود به صورتی نظام‌مند در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهد. همچنین، مکتب شناختی قابلیت بررسی و مطالعه حروف اضافه را با توجه به قواعدی چون مفهوم‌سازی و پیروی از الگوهای استعاری حاکم بر زبان فراهم می‌کند. در این پژوهش ابتدا حروف اضافه در گویش مکریانی بر اساس پیکره زبانی که جزء منابع مکتوب و کتابخانه‌ای به حساب می‌آیند، معرفی شده و از میان آنها، حرف اضافه ساده (lá) که در ساخت دیگر حروف اضافه مرکب نیز در گونه مکریانی نقش اساسی را بازی می‌کند، به کمک روش توصیفی-تحلیلی و پیروی از الگوهایی چون گسترش استعاری حوزه مکانی و معانی پیرامونی بررسی و تحلیل می‌شود. آنچه که از این تحقیق بر می‌آید، ماهیت تصویرگونه ضمائر است که برآمده از تجسم ذهن انسان بوده و با استفاده از الگوهای آشنایی چون اندام‌های بدن او تبیین می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: حروف اضافه مکانی، حرف اضافه (lá)، زبان‌شناسی شناختی، گویش کردی

مکریانی

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email: azizifarzad@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۱. مقدمه

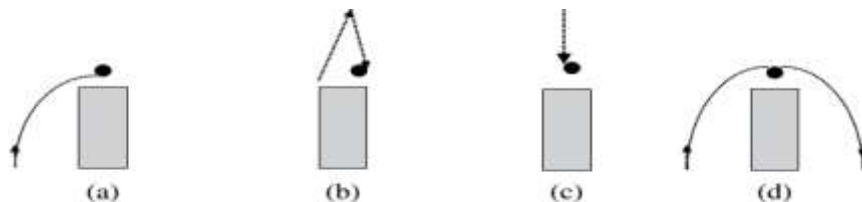
۱.۱. کلیات

در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی و در تقابل با زبانشناسی صورتگرا، زبانشناسی شناختی به عنوان مکتبی جدید پا به عرصه مطالعات زبانی گذاشت. ریشه این مکتب را می‌توان به دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی و خصوصاً روانشناسی گشتالت نسبت داد. زبانشناسی شناختی اصولاً، دسته‌بندی مقولات دستوری را می‌پذیرد اما مرزبندی و حصاربندی مشخص و ملموس نظریات سنتی در مورد مقولات زبانی را کنار می‌زند و هدف آن، توصیف ساختار و عملکرد زبان و نظامندی (Systematicity) آن می‌باشد؛ زیرا اصول خود را از نظریات گوناگون و مطرح به عاریت گرفته‌است. تفاوت زبانشناسی شناختی با دیگر مکاتب زبانشناسی در آن است که این مکتب، زبان را به عنوان بازتابی از طراحی و ویژگی‌های ذهن انسان از جهان خارج در نظر می‌گیرد. معنا، مفهومی است که در ارتباط با یک نماد (Symbol) قرار دارد. معنای مرتبط با یک نماد زبانی که مرتبط با یک باز نمود خاص ذهنی می‌باشد، مفهوم (Concept) نام دارد. مفهوم به نوبه خود از ادراک (Percepts) ما ناشی می‌شود. توانایی شناختی ما قادر است تا اطلاعات خام حاصل از ادراک ما را به تصاویر ذهنی منسجم و خوش ساختی تبدیل کند. جکندوف (۱۹۸۳) معتقد است که معنایی که بواسطه نمادهای زبانی رمزگذاری می‌شود، به واقعیت فراقکن شده (Projected reality) ارجاع می‌کند؛ یعنی، به واقعیت موجود با واسطه خصلتهای ادراکی، نظیر اصول گشتالتی و تأثیر پیش نمونه‌ای بازنمایی می‌شود.

بنابراین مطالعه زبان از این منظر، در واقع مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی (Conceptualization) به گونه‌ای می‌باشد که با گشودن پنجره‌ای دید ما را به جهان پیرامون و سازمان‌بندی ذهن و فکر وسعت می‌بخشد. عملکرد نمادین زبان در خدمت رمزگذاری و آشکارکردن افکار ما قرار دارد. گرچه ایده-پردازی ذهن از نظر گستره، نامحدود می‌نمایند ولی زبان اقدام به محدودسازی این گستره می‌کند. آنچه زبان آنرا رمزگذاری می‌کند افکار انسانی در شکل پیچیده آن نیست بلکه دستورالعمل‌های بنیادین نظام مفهومی است تا به ایده‌های عمیق انسان دسترسی داشته باشد یا آنها را خلق کند. برای فهم بهتر موضوع به مثال زیر از تایلر و ایوانز (Tylor and Evans:2003) دقت کنید:

۱. گربه روی دیوار پرید. 1. The cat jumped over the wall.

قبل از بررسی این مثال جهش‌های احتمال گربه را به کمک نمودار زیر می‌توان متصور شد:



نمودار (۱): نمای پرش گربه از روی دیوار به نقل از تایلر و ایوانز

در نمودار (۱) چهار جهش احتمالی برای گربه که با نقطه سیاه در نظر گرفته شده است، می‌توان متصور شد. اگر عنصر واژگانی پریدن به تنهایی نشان‌دهنده نوع جهش نباشد، در آن صورت حرف اضافه (برروی) همراه فعل می‌تواند این نقش را بر عهده بگیرد. خود این حرف اضافه مجموعه‌ای از معانی را القاء می‌کند از جمله: پرش در عرض؛ یا پرش از بالای چیزی. نمودار فوق اطلاعات دیگری را نیز بازگو می‌کند و آن اینکه مقصد حرکت گربه سمت دیگر دیوار است و این در حالی است که هیچ عنصر زبانی دیگری بیانگر این موضوع نمی‌باشد. بنابراین کلمات درون جملات تا حدی بیانگر ایده‌ها و مفاهیم مطرح شده می‌باشند. اصطلاح دیگری که در این حیطه کاربرد دارد، دامنه مفهومی (Conceptual domain) نامیده می‌شود و شامل پیکره‌ای از دانش موجود درون نظام مفهومی ذهن ما و پیونددهنده تجارب و مفاهیم درون ذهن است. برای درک بهتر موضوع به مثال‌های زیر دقت کنید:

۲- تاریخ امتحان به سرعت نزدیک می‌شود.

۳- آنها دوستان نزدیکی هستند.

دو مثال فوق به ترتیب دامنه مفهومی مقوله‌های زمان و محبت را نشان می‌دهند. مفاهیم ذهنی تاریخ امتحان و دوستی در این مثال‌ها به کمک مفاهیم عینی و فیزیکی حرکت (به سرعت نزدیک شدن) و فاصله (نزدیکی فاصله) راحت‌تر نشان داده شده‌اند. در همین راستا لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson: 1980, 1999) یکی از یافته‌های مهمی را که از مطالعه نظام مفهومی ذهن بشر بدست آمده است، شکل‌گیری نظام‌مند مفاهیم ذهنی بر اساس دامنه‌های مفهومی منتج از تجارب ما از رفتار و خصوصیات فیزیکی اشیاء همچون حرکت، ارتفاع و فاصله می‌دانند.

۲. پیشینه و چارچوب نظری تحقیق

در زبان انگلیسی کویرک و همکاران (Quirk et al: 1985) حروف اضافه را از دید سنتی و با توجه به آنکه آیا بعد از آنها ضمیر فاعلی و یا مصدر با to قرار نمی‌گیرد، به دو دسته ساده و مرکب تقسیم‌بندی کرده‌اند. حروف اضافه ساده بر اساس تعداد هجا به تک‌هجایی (from) و دو هجایی (outside) و حروف اضافه مرکب به دو دسته دو کلمه‌ای و سه کلمه‌ای قابل تقسیم‌اند. در دستور شناختی لانگاکر (1991b) در مقایسه با لیکاف (۱۹۸۷) تمامی معانی مربوط به حروف اضافه را زیرمجموعه یک کل

دانسته که یکی از این معانی، معنای اولیه و دیگر معانی، برخاسته از بافت جمله، دانش کاربردشناختی و شناخت ما از جهان خارج می‌باشند. این مفهوم اولیه جزء مفاهیم مرکز-پیرامونی محسوب می‌شود که بر اساس آن، شبکه‌های معنایی حروف اضافه پیرامون هسته کلماتی که نمونه اعلاء نامیده می‌شوند، گسترش می‌یابند. از نظر زیانشناسانی چون ناوارو فرراندو (Navarro Ferrando) تقریباً تمامی کاربردهای حروف اضافه به یک معنای اصلی و هسته‌ای بر می‌گردد و بافت تنها باعث بروز مجموعه‌ای تغییرات جزئی در دامنه معنایی حروف اضافه می‌گردد.

یکی از مسائل مورد بحث در زیان‌شناسی شناختی، توصیف حروف اضافه از دیدگاه معنایی است که زیان‌شناسان گوناگونی از جمله بروگمن، ۱۹۸۰؛ شولز، ۱۹۹۴؛ ساندرا و رایس، ۱۹۹۵ و ناوارو فرراندو، ۱۹۹۸ در این حیطه به تحقیق پرداخته‌اند. درک و فهم مفاهیم فضا و مکان نقشی بنیادی در شناخت و کاربرد حروف اضافه در زبان دارد که در راستای فهم نسبی و عام ما از هندسه حاصل شده و مطابق نظر لوینسون و ویلکینز (2006: 1) به دو زیرمجموعه ایستا و پویا تقسیم می‌شود که بخش پویا شامل مفهوم حرکت می‌باشد: افعالی نظیر رفتن، آمدن در این زمره قرار می‌گیرند. هادلستون و همکاران (۲۰۰۲) از سوی دیگر با توجه به مفاهیمی چون زمینه (Ground) و نما (Figure) و گسترش استعاری حوزه مکانی به بررسی معانی حروف اضافه در انگلیسی اقدام کردند.

در زبان فارسی مطالعات کمابیش کمتری از زبان انگلیسی بر روی حروف اضافه انجام پذیرفته است که عمدتاً واجد همان دیدگاه سنتی بوده‌اند. دیدگاه‌های کمی متفاوت‌تر را می‌توان در مطالعات انگشت‌شماری مشاهده کرد که به عنوان نمونه می‌توان از زاهدی و محمدی (۱۳۹۰)، سراجیان اردستانی (۱۳۸۸)، یوسفی راد (۱۳۸۷)، گلفام و یوسفی راد (۱۳۸۵) و نقی‌زاده (۱۳۹۰) در این بین نام برد. در زبان کردی بر خلاف زبان انگلیسی و فارسی که تحقیقات شناختی فزاینده‌ای در باب حروف اضافه در حال انجام است، اندک مطالعات موجود درباره حروف اضافه از منظر واژگانی و نحوی به موضوع نگریسته‌اند و زیان‌شناسی شناختی هنوز جایگاه سزاوار خود را پیدا نکرده‌است.

۳. بررسی موضوع

۱.۳. حروف اضافه در زبان کردی

حروف اضافه در زبان کردی به دو دسته ساده و مرکب تقسیم می‌شوند (موکریانی، ۲۰۰۵: ۱۰۰) که حروف اضافه ساده به تهابی و قبل از اسم یا گروه اسمی قرار می‌گیرند اما حروف اضافه مرکب یا در ترکیب با اسم و حرف اضافه دیگر قرار می‌گیرند و یا به صورت پیراوندی (Circumposition) ظاهر می‌شوند یعنی بخشی از آن به صورت پیشوند و بخشی دیگر به صورت واژه‌بست (Enclitics) قرار می‌گیرند. در اصطلاح، متمم به وسیله حروف اضافه پیراوندی بسته‌بندی (Envelop) می‌شود. در

کاربرد حرف اضافه (lá) در کردی مکریانی در الگوی شناختی ۷۱

جدول (۱) به نقل از مکنزی (۱۹۶۱:۱۲۱) حروف اضافه ساده در زبان کردی سورانی را مشاهده می‌کنید:

جدول (۱): حروف اضافه ساده

حروف اضافه ساده	
انگلیسی	کردی
To, with, at	Bá
For, to	Bo
To	-á
Of, from, out of	Lá
Until	Tâ
without	Bè

آنگونه که مشاهده می‌شود، در زبان کردی سورانی شش ضمیر ساده وجود دارد. مابقی حروف اضافه مرکب یا از به هم پیوستن این حروف اضافه ساده با اسم به وجود می‌آیند و یا به صورت پیراوندی (samvelian:2007) می‌باشند که ترکیبی هستند از حروف اضافه ساده که پیش از اسم قرار می‌گیرند و متممی که به صورت واژه‌بستی پس از اسم یا ضمیر و یا فعل واقع می‌شوند:

2.ew dâstân.e.î bo gèrâ.m.ewe

این بست‌اول شخص گشته گفتن برای بست اشاره داستان این

این داستان را برایم تعریف کرده است.

در مثال فوق، حرف اضافه پیراوندی ترکیبی است از حرف اضافه ساده (bo) و واژه‌بست (ewe) که در انتهای فعل قرار گرفته است. حروف اضافه مرکب که بیشتر از آنها نام بردیم، به باور مکریانی (همان) عمدتاً از ترکیب دو حرف اضافه ساده (lá) و (bá) با اسامی بیانگر سمت و سو و مکان و اعضای بدن ساخته می‌شوند. در جدول (۲) به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

جدول (۲): حروف اضافه مرکب

کردی	فارسی	کردی	فارسی
Lá žur	از داخل	Bá žer	از زیر
Lá Sar	از روی	Bá nevân	از میان
Lá dwâya	از پشت	Lá taništ	در کنار
Bá lây	از کنار	lá xwâr	از پایین

در این تحقیق یک حرف اضافه از میان شش حرف اضافه مورد بررسی واقع می‌شوند که در ساخت حروف اضافه مرکب نیز به کار می‌رود و عبارت است از (lá). این حرف اضافه معادل (از) در زبان فارسی می‌باشد.

۲.۳. بررسی معنایی حرف اضافه lá

۱.۲.۳. معانی در برگیرنده مکان

حرف اضافه lá به معنی (از) بوده و مجموعه معانی دیگری به دست آورده که به ذکر آنها می‌پردازیم. در معنای عام خود، این حرف اضافه بیانگر مبداء حرکت بوده و در این معنی عموماً با افعالی همراه می‌شود که نشان دهنده جدایی و خروج عامل از منبع شروع عمل و به عبارت دیگر در معنای جدایی باشند. در این حالت، این حرف اضافه معمولاً منشاء گرفتن چیزی از چیز دیگری را بیان می‌کند و سمت و سوی حرکت را از طرف مبداء به طرف مقصد نشان می‌دهد:

3. lá bāqh.ek dār hāt.

گذاشته آمدن بیرون یک (نکره) باغ از

از یک باغ بیرون آمد.

در این معنا و در مثال فوق، منظر و نوع نگاه به عمل بدین گونه است که عمل خارج شدن از یک مکان (باغ) یا به بیان دقیق‌تر، جدایی از منبع (Source) برجسته شده است اما در مثال شماره (۴) نه تنها خروج و جدایی از منبع اهمیت دارد، بلکه جهت و هدف نهایی عمل نیز دارای اهمیت می‌باشد و بدین سبب از حرف اضافه (bo) برای نشان دادن این مفهوم استفاده شده است:

4.lá dukân.e bo māl.e hāt.ava.

سوم شخص مقرر آمد بی بست خانه به بی بست مغازه از

از خانه به مغازه آمد.

در حقیقت در جمله فوق فاصله فیزیکی میان دو شیء برجسته شده که حرف اضافه lá جدا شدن و حرکت از مبداء که همان (مغازه) است را نشان می‌دهد. وجود حرف اضافه bo سمت این حرکت به سوی مقصد را که همان خانه باشد، مشخص می‌کند و به نوعی تأکیدی است بر تکمیل معنای حرف اضافه lá که در نوشتار و حالت رسمی این دو حرف اضافه همراه یکدیگر می‌آیند. در مواردی حرف اضافه lá در عوض حرف اضافه (bo) با بی بست (ewe) همراه شده. در این حالت با عنوان حرف اضافه پیروانندی نامیده شده و در بردارنده هر دو مفهوم خروج از منبع و سمت و سوی حرکت می‌باشد.

کاربرد حرف اضافه (lá) در کردی مکررانی در الگوی شناختی ۷۳

باید گفت که در مثال اخیر آنچه که برجسته شده است، خروج و دور شدن از منبع می‌باشد و نه سمت و سوی هدف و مقصد:

4. lá Târân.ewe çû.m.á Máhâbâd.

مهاباد . بیست . اول شخص رفتن گذشته . بیست . تهران . از

از تهران رفتم مهاباد.

معنای دوم حرف اضافه (lá) که ملهم از معنای اول و اصلی آن بوده، اشاره به سرچشمه عمل دارد و منشاء گرفتن چیزی از چیز دیگر را می‌رساند و اشاره‌ای به فاصله مکانی ندارد اما به سبب گسترش استعاری، مفهوم خروج از منبع در این معنا بکار رفته است:

5.šákr lá qâmèš dár.da.hendrè.

بیرون آوردن.وجه ساز خارج . نیشکر . از . شکر

شکر از نیشکر بدست می‌آید.

6. lá mâl.è persiyâr.em Kerd.

کردن.گذشته . اول شخص مفرد . پرسش . بیست . خانواده . از

از خانواده سوال پرسید.

7. áw náxoši.y.á lá âw.i râ dèt.

آمدن . را . بیست.آب . از . بیست . واج میانجی.مرضی . این

این مرضی از آب ناشی می‌شود.

معنای سوم این حرف اضافه یعنی (به، به طرف) در تضاد با معنای اول و معنای عام آن می‌باشد و رفتن و نزدیک شدن به منبع را نشان می‌دهد:

8. lá tandûr.i nîzîk bû.m.ewe.

بیست.اول شخص مفرد.گذشته.شدن . نزدیک . معرفه.تور . به

به تور نزدیک شدم.

این حرف اضافه می‌تواند با اسم و گروه‌های اسمی ترکیب شده و حروف اضافه مرکبی بسازد که مفهوم اولیه خود را در آنها نیز حفظ می‌کند که البته قابلیت ترکیب‌پذیری آن با گروه‌های اسمی به نسبت bá بیشتر است:

9. lá sar meydanè harâharâ dè.

زمان حال . آمدن . سرو صدا . میدان . بالای . از

از بالای میدان سرو صدا بگوش می‌رسد.

مفهوم اسم sâr (سر) در حروف اضافه مرکب و همچنین مفهوم حرف اضافه مرکب حاصل از این ترکیب، با توجه به شناخت گویشور از اندام‌های بالایی و پائینی بدن خود و تعمیم استعاری آنها به

جهان پیرامون، قابل درک است. (سر) به عنوان بالاترین اندام بدن انسان می‌تواند نماینده مکان بالاتر و برتر در فضای اطراف ما نسبت به دیگر جایگاه‌ها باشد. شناخت ما نیز از جایگاه خویش در فضا قدرت درک جهت‌ها را به ما می‌دهد و مجموع این موارد درک مفهوم حرف اضافه مرکبی چون *lá sár* (از طرف بالا) در مثال ۹ را امکان‌پذیر می‌کند.

10. *lá bèn dâr.aka hâvâri kerd.*

سوم شخص- کرد فریاد معرفه-درخت زیر از

از زیر درخت فریاد زد.

همراهی حرف اضافه *lá* با دو اسم *bèn* و *sár* (پائین) علاوه بر ساختن حرف اضافه مرکب مفاهیمی را به این حرف اضافه می‌افزاید؛ بدین معنا که اگر *bèn* و *sár* به تنهایی بیابند عمدتاً معنای مماس بودن شیء را با سطح مورد نظر می‌رسانند:

11. *bâlinj.aka sar taxti.y.a.*

است.واج میانجی.تخت بالا معرفه-بالش

بالش روی تخت است.

12. *qálám.em bèn fârš.áká.y.a.*

است.واج میانجی.معرفه.فرش زیر صفت ملکی.قلم

مدادم زیر فرش است.

حال اگر دو حرف اضافه *lá* و *bá* به آنها افزوده شود، معمولاً معنای مماس بودن را از آنها گرفته، نشان‌دهنده فاصله میان دو سطح می‌باشد:

13. *qâb.i áks.i sár mez.áká.y.á.*

است.واج میانجی.معرفه.میز بالای می بست.عکس می بست.قاب

قاب عکس بالای میز است.

14. *mâl.i hasan lá sár mâl.i xowšk.i.ti.*

است.صفت ملکی.خواهر می بست.منزل حسن دریالای

خانه حسن در طبقه بالای منزل خواهرش قرار دارد.

موردی که در بالا بدان اشاره شد، نسبی است و گاهی چنین تمایزی میان این دو حرف اضافه در میان نیست؛ بلکه این دو نشان‌دهنده سبک رسمی و غیر رسمی در گفتار می‌باشند؛ بدان معنا که همراهی حروف اضافه ساده با گروه‌های اسمی نسبت به نبود آنها حالت رسمی‌تری به کلام می‌دهد:

کاربرد حرف اضافه (lá) در کردی مکررانی در الگوی شناختی ۷۵

15. ama chây.aka.mân la sar/sar levâr.i panjar.aka dâ.m.nâ.
 گذاشتن. اول شخص جمع زمان گذشته معرفه پنجره بی بست لبه روی سر روی صفت ملکی. معرفه. جای اول شخص جمع
 ما چایی خود را روی لبه پنجره گذاشتیم.

16. la nevân/nevân dû kâs rád bû.
 میان از میان دو نفر رد شد
 از میان دو نفر رد شد.

این حرف اضافه حتی به تهایی و قبل از اسامی مکان می‌آید و معنای ظاهری (داخل و درون) را می‌رساند؛ ولی در اصل به شنونده می‌گوید که منشاء مکان مورد نظر از درون آن مکان به طرف مکان فعلی شنونده می‌باشد:

17. lá nâw bâx.áká dâ.bû.m.
 اول شخص گذشته بودن. پیشوند وجه ساز معرفه باغ میان از
 درون آن باغ بودم.

۲.۲.۳. معانی دربرگیرنده زمان

این حرف اضافه هنگام اشاره به زمان به دو معنای (در، در وقت) و (از) به کار می‌رود. در معنای اول اشاره به دوره و محدوده مشخصی از زمان دارد که موقتی است و اکثراً با افعال ربطی به کار می‌رود:

18. kûrdûstân lá bâhâr.ân behîšt.â.
 است. بهشت جمع بهار در وقت کردستان

کردستان در وقت بهار بهشت است.

19. lá xáyâl.áwá dâ.bû.
 سوم شخص گذشته بودن. وجه ساز بی بست. رؤیا در

در رؤیا به سر می‌برد.

گاهی این معنای بیانگر زمان از نظر استعاره گسترش پیدا کرده و به موقعیت‌های غیرزمانی همچون شرایط روحی و غیرفیزیکی (مثال‌های ۱۹ و ۲۰) نیز اشاره می‌کند:

20. lá ghârib.î dâ.bû.y.n
 اول شخص جمع. واج میانجی بودن. وجه ساز پسوند حالت ساز. غریب در
 در غریبی به سر می‌بردیم.

در معنای دوم، این حرف اضافه نشان‌دهنده مبداء و نقطه شروع زمان انجام عمل بوده و تداعی-کننده معنای اولیه این حرف اضافه در اشاره به مکان آغاز و سر منشاء عمل می‌باشد:

21. lá báyâne tâ êwâre dâništ.bû.m.

اول شخص مفرد گذشته بودن نشستن عصر تا صبح از

از صبح تا عصر نشسته بودم.

۴. نتیجه گیری

حروف اضافه از منظر یادگیری و تحلیل‌های زبان‌شناختی یکی از دشوارترین حوزه‌ها در هر زبانی می‌باشند. بررسی حروف اضافه نشان می‌دهد که آنها کلماتی با معانی ساده و فرهنگ‌وار نبوده، بلکه تجسمی از مفاهیم ذهنی هستند که بیانگر روابط مکانی- فضایی بر اساس شناخت ما از مفهوم مکان و فضا می‌باشند. مفاهیمی که توسط حروف اضافه بیان می‌شوند مفاهیمی ساده و گذرا نیستند بلکه مفاهیمی تصویرگونه و ذهنی‌اند که بواسطه تجارب و شناخت گویشوران از دنیای پیرامون خود تجسم می‌شوند. نحوه اهمیت و برجستگی روابط فضایی و مکانی برای گویشوران یک زبان عامل به کارگیری حروف اضافه در آن زبان می‌باشد.

معانی دیگری که علاوه بر معانی موجود در دایره معنایی حروف اضافه برای آنها تصور می‌شود، در حیطه معناشناسی شناختی بررسی شده که ناشی از تجربه گویشوران هر زبان از جهان پیرامون و موقعیت خود در آن جهان و به عبارت دقیق‌تر، گسترش استعاری معنای اولیه آنهاست. به سبب گستردگی نسبی کاربرد حروف اضافه (زمانی و مکانی) در زبان کردی، در این مقاله تنها راجع به یکی از حروف اضافه ساده در گویش مکرانی بحث کردیم که خود، یکی از دو حرف اضافه دخیل در ساخت دیگر حروف اضافه مرکب یعنی (lá) می‌باشد. این حرف از دو جنبه زمانی و مکانی بررسی شده. نوعی پیوند معنایی منتج از گسترش استعاری معنای اولیه آن میان این دو جنبه مکانی و زمانی وجود دارد و این پیوند معنایی همان سرمنشاء و آغاز عمل می‌باشد. شناخت ما از اندام‌های خود همچون (bên và sâr) عامل کاربرد و تعبیر صحیح حروف اضافه مرکبی است که با حرف اضافه ساده (lá) ساخته می‌شوند. از سوی دیگر، زاویه دید ما و تشخیص زمینه و نما در تعیین معنای این حرف اضافه نقش دارد. در پایان باید یادآوری کرد که بررسی و مطالعه حروف اضافه از دیدگاه شناختی خود به حوزه‌ها و نظریات گوناگونی چون ابعاد فضایی و هندسی دسته بندی می‌شود که در این مقاله از دیدی کلی به قضیه نگریسته شده است.

کتاب‌نامه

۱. زاهدی، کیوان و عاطفه محمدی زیارتی. (۱۳۹۰). "شبکه‌معنایی حرف اضافه فارسی (از) در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی"، تازه‌های علوم شناختی، سال ۱۳، شماره ۱، صص: ۸۰-۶۷.
۲. سراجی اردستانی، م. (۱۳۸۸). بررسی معنایی حروف اضافه در فارسی در قالب نظریه معناشناسی شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۳. گلفام، ا. و یوسفی راد. (۱۳۸۵). "رویکرد معناشناسی شناختی به حروف اضافه مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه موردی: حرف اضافه (در)، نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان"، سال ۱۴، شماره ۵۶، صص: ۱۷۹-۱۶۷.
۴. نقی زاده، محمود. (۱۳۹۰). بررسی چگونگی ساختاری شدن مفهوم فضا در زبان فارسی بر اساس زبان‌شناسی شناختی، پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان.
۵. یوسفی راد، ف. (۱۳۸۷). بررسی شناختی زبان فارسی بانگاهی ویژه به حروف اضافه مکانی. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۶. یوسوپووا، د. زری. (۲۰۰۵). شیوه‌ی سلیمانی زمانی کوردی. ترجمه کوردستان موکریانی، هه ولیر، عیراق.
7. Evans, Vyvyan and Melanie Green (2006). **Cognitive linguistics, an introduction**, Edinburgh University Press.
8. Geeraerts, Dirk et al. (2008). **Body, language and mind**, volume 2, Mouton de Gruyter.
9. Huddleston Rodney, Pullum Geoffrey K (2002). **The Cambridge grammar of the English language**. Cambridge.
10. Lakoff, George and Mark Johnson (1980). **Metaphors we live by**. Chicago: Chicago University Press.
11. Lakoff, George (1987). **Woman, Fire and Dangerous Things**. Chicago: University of Chicago Press.

12. Lakoff, George and Mark Johnson (1999). **Philosophy in the flesh: The embodied mind and Its challenge to western thought**. New York: Basic Books.
13. Levinson, S. C., & Wilkins, D. P. (2006). **Patterns in the data: Towards a semantic typology of spatial description**, Max Planck Institute for Psycholinguistics.
14. Mackenzie, David N. 1961. **Kurdish dialect Studies**. London: Oxford University Press.
15. Navarro Ferrando, I. (2000). **A Cognitive-semantic analysis the English lexical unit in**. Cuadernos de investigación filológica.
16. Quirk, Randolph and Greenbaum, Sidney and Leech, Geoffrey and Svartvik, Jan. (1985). **A Comprehensive Grammar of the English Language**. London: Longman.
17. Ray, Jackendoff (1983). **Semantics and Cognition**. Cambridge, MA: MIT Press.
18. Saeed, Sameerah (2014). **Place Relaters: English and Kurdish**. Newcastle University, Newcastle upon tyne.
19. Samvelian, pollet (2007). "A Lexical Account of Sorani Kurdish Prepositions", the 14th International Conference on Head-Driven Phrase Structure Grammar. Stanford Department of Linguistics and CSLI's.
20. Thackston, W.M. (2013). **Sorani Kurdish: A Reference Grammar with Selected Readings**, www.fas.harvard.edu.
21. Tyler Andrea and Vyvyan Evans (2003). **The Semantics of English Prepositions. Spatial Scenes, Embodied Meaning and Cognition**. Cambridge, Cambridge university press.

کاربرد حرف اضافه (lá) در کردی مکریانی در الگوی شناختی ۷۹